



حاکمیت شرکتی و نظارت بر بانکها

ولی اله سیف*

*مدیرعامل بانک کارآفرین

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۹۱	۱- تاریخچه حاکمیت شرکتی.....
۹۱	۱-۱- مبانی نظری
۹۱	۱-۱-۱- نظریه نمایندگی.....
۹۲	۱-۱-۲- نظریه هزینه معاملات.....
۹۲	۱-۱-۳- نظریه ذی نفعان.....
۹۳	۱-۲- طبقه بندی نظام های حاکمیت شرکتی.....
۹۴	۲- حاکمیت شرکتی در نهادهای مالی.....
۹۵	۳- ارکان حاکمیت شرکتی.....
۹۵	۴- اسلام و حاکمیت شرکتی.....
۹۶	۵- حاکمیت شرکتی در کشورهای مختلف.....
۹۹	۵-۱- حاکمیت شرکتی در ترکیه.....
۹۹	۵-۲- حاکمیت شرکتی در بحرین.....
۱۰۱	۵-۳- حاکمیت شرکتی در ایران.....
۱۰۳	۵-۳-۱- سازوکارهای مؤثر بر حاکمیت شرکتی و پاسخگویی.....
۱۰۳	۵-۳-۲- نظارت بانک مرکزی
۱۰۵	۵-۳-۳- مقررات ناظر بر تأسیس بانکها و مؤسسات اعتباری
۱۰۶	۵-۳-۴- مقررات ناظر بر فعالیت بانکها و مؤسسات اعتباری
۱۰۷	۵-۳-۵- اصول مدیریت ریسک (اسناد کمیته بال)
۱۰۷	۵-۳-۶- ساید اصول (اسناد کمیته بال)
۱۰۸	۵-۳-۷- نقش بازرسان بانک مرکزی.....
۱۰۹	نتیجه گیری.....

۱- تاریخچه حاکمیت شرکتی

بحث حاکمیت شرکتی از دهه نود میلادی در آمریکا، انگلستان و کانادا در پاسخ به مشکلات ناشی از ناکارایی هیئت مدیره شرکت‌های بزرگ مطرح شد و به این ترتیب نخستین اصول حاکمیت شرکتی در گزارش‌های "کدبری"^۱ انگلستان، "جنرال موتورز"^۲ آمریکا و "دی"^۳ کانادا تدوین شد. این اصول در ابتدا تنها حقوق سهامداران را مورد توجه قرار می‌داد، در حالی که در سال‌های بعد نگرش حاکمیت شرکتی به سوی تمام ذی‌نفعان یک شرکت مانند نیروی کار، اعتباردهندگان و کل اجتماع معطوف شد. در ابتدای قرن بیست و یکم و با انحلال شرکت‌های بزرگی مانند "انرون"^۴ و "وردکام"^۵ در آمریکا، به اصول حاکمیت شرکتی به‌عنوان عاملی برای جلوگیری از این‌گونه فروپاشی شرکت‌ها توجه بیش‌تری شد.

۱-۱- مبانی نظری

۱-۱-۱- نظریه نمایندگی

با آغاز تحولات اقتصادی و ظهور شرکت‌های سهامی در جهان صنعتی، پدیده جدایی مالکیت از مدیریت مطرح شد. این پدیده به‌دلیل تفاوت ذاتی در تابع مطلوبیت مالک و مدیر است که باعث به‌وجود آمدن تضاد منافع می‌شود. نظریه نمایندگی نخستین بار توسط برل و مینز (۱۹۳۲)^۶، اسپنس و زیکاسر (۱۹۷۱)^۷، راس (۱۹۷۳)^۸، استیگلیتز (۱۹۷۴)^۹، بیمن (۱۹۷۵)^{۱۰} و جنسن و مک‌لینگ (۱۹۷۸)^{۱۱} معرفی و تشریح شد. در این نظریه مدیر شرکت به‌عنوان نماینده و سهامداران به‌عنوان مالکان در نظر گرفته می‌شوند. مشکل اینجاست که اول آنکه نماینده لزوماً به نفع مالک عمل نمی‌کند (تضاد منافع)، دوم آنکه مالک نمی‌تواند اقدام‌های نماینده را به‌خوبی نظارت کند،

¹ Cadbury

² General Motors

³ Dey

⁴ Enron

⁵ Worldcom

⁶ Berle & Means

⁷ Spence & Zeckhauser

⁸ Ross

⁹ Stiglitz

¹⁰ Beaman

¹¹ Jensen & Meckling

سوم آنکه ممکن است نماینده طوری رفتار کند که اطلاعات به صورت نادرست و یا ناکامل به مالک منتقل شود.^۱

۲-۱-۱- نظریه هزینه معاملات

این نظریه نخستین بار توسط سیرت و مارچ (۱۹۶۳)^۲ مطرح شد. در این نظریه شرکت نه فقط به عنوان یک واحد اقتصادی عمومی (سهامی عام)، بلکه به عنوان یک سازمان از افراد با دیدگاه‌ها و اهداف متفاوت تشکیل شده است. در این نظریه فرض بر این است که شرکت‌ها آن قدر بزرگ شده‌اند که در تخصیص منابع جانشین بازار شوند. در واقع شرکت‌ها آن قدر گسترده و پیچیده‌اند که با توجه به نوسان‌های قیمت در بازار، تولید را هدایت کرده و بازار معاملات را متعادل می‌کنند. در درون شرکت‌ها، برخی از معاملات حذف می‌شوند و مدیران شرکت، تولید را با معاملاتی که خود ترجیح می‌دهند هماهنگ می‌کنند. این نظریه بر این اساس است که مدیران فرصت طلبانه رفتار می‌کنند، چنین رفتاری می‌تواند نتایج نامطلوبی برای شرکت و سهامداران به بار آورد. در نتیجه نیاز به نظارت بر عملکرد وجود دارد.

۳-۱-۱- نظریه ذی‌نفعان

این نظریه توسط فریمان (۱۹۸۴)^۳ مطرح شد. او نظریه عمومی شرکت و پاسخگویی شرکتی را به گروه گسترده‌ای از ذی‌نفعان پیشنهاد کرد. در این نظریه فرض می‌شود که شرکت‌ها بسیار بزرگ شده‌اند و در نتیجه بر کل جامعه تأثیر گذارند. بنابراین شرکت‌ها نه فقط می‌بایست به سهامداران، بلکه به بسیاری از بخش‌های جامعه پاسخگو باشند. در این نظریه ذی‌نفعان شامل سهامداران، کارکنان، فروشندگان، مشتریان، بستانکاران، شرکت‌های مجاور و عموم مردم هستند. در نگرشی افراطی به این نظریه، محیط زیست، گونه‌های جانوری و نسل‌های آینده نیز در زمره ذی‌نفعان در نظر گرفته می‌شوند.^۴

^۱ محمد، نمازی: بررسی کاربردهای تئوری نمایندگی در حسابداری مدیریت، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، ۱۳۸۴، صص ۱۴۹-۱۴۸.

^۲ Cyert & March

^۳ Friman

^۴ <http://marketingarticles.ir/?p=599>

۲-۱- طبقه‌بندی نظام‌های حاکمیت شرکتی

- نظام‌های درون سازمانی (رابطه‌ای): یک نظام حاکمیت شرکتی درون سازمانی، نظامی است که در آن شرکت‌های فهرست بندی شده یک کشور تحت مالکیت و نظارت شمار کمی از سهامداران اصلی هستند. آن‌ها ممکن است اعضای خانواده مؤسس (بنیانگذار) یا گروه کوچکی از سهامداران مانند بانک‌های اعتباردهنده، شرکت‌های دیگر یا دولت باشند. به نظام‌های درون سازمانی به دلیل روابط نزدیک رایج بین شرکت‌ها و سهامداران عمده آن‌ها نظام‌های رابطه‌ای نیز گفته می‌شود. در مدل حاکمیت شرکتی درون سازمانی مشکلاتی وجود دارد. هر چند که، به واسطه نزدیکی بین مالکان و مدیران، مشکل نمایندگی کم‌تری بروز می‌کند (چون این دو نفر یکی هستند)، لیکن مشکلات جدی دیگری پیش می‌آید. به واسطه سطح تفکیک ضعیف مالکیت و نظارت بر مدیریت در بسیاری از کشورها (مثلاً به دلیل مالکیت خانواده‌های مؤسس) از قدرت سوء استفاده می‌شود. سهامداران اقلیت نمی‌توانند از عملیات شرکت آگاه شوند. شفافیت کمی وجود دارد و سوء استفاده محتمل از منابع مالی، نمونه‌هایی از سوء جریان‌ها در این نظام هستند.

- نظام‌های برون سازمانی: در این نظام‌ها، شرکت‌های بزرگ توسط مدیران نظارت می‌شوند و تحت مالکیت سهامداران برون سازمانی^۱ یا سهامدارانی هستند که خود در مدیریت شرکت نقشی ندارند و فقط در انتخاب مدیران تأثیر گذارند. این وضعیت منجر به جدایی مالکیت از نظارت (مدیریت) می‌شود. همان‌طوری که در نظریه نمایندگی دیده می‌شود، در اینجا مشکل مربوط به هزینه‌های سنگینی است که به سهامدار تحمیل می‌شود. اگر چه در نظام‌های برون سازمانی، شرکت‌ها مستقیماً توسط مدیران کنترل می‌شوند، لیکن به‌طور غیرمستقیم نیز تحت نظارت اعضای برون سازمانی قرار دارند. اعضای مذکور نهادهای مالی و همچنین سهامداران خصوصی هستند. در آمریکا و بریتانیا، سرمایه‌گذاران نهادی، که مشخصه نظام برون سازمانی هستند، تأثیر چشمگیری بر مدیران شرکت‌ها دارند. در واقع گفته شده که سرمایه‌گذاران نهادی، اکثریت را دارا بوده و به این وسیله بر مدیریت شرکت تأثیر خواهند گذاشت و از این طریق اهداف شرکت به سمت تأمین منافع سهامداران میل خواهد کرد.

¹ Absent Shareholders

۲- حاکمیت شرکتی در نهادهای مالی

بانک‌ها بخش حساس و حیاتی اقتصاد هر کشور به‌شمار می‌آیند. آن‌ها تأمین مالی سایر بنگاه‌های اقتصادی را برعهده دارند و از طریق نظام‌های پرداخت، خدمات مالی اصلی را به بخش مهمی از جامعه ارائه می‌دهند. به‌علاوه، برخی از بانک‌ها وظیفه دارند که در شرایط سخت و بحرانی بازار، اعتبارها و نقدینگی لازم را برای چرخش فعالیت‌های اقتصادی فراهم سازند. از این‌رو، نقش حاکمیت شرکتی در بانک‌ها بسیار حیاتی و حساس تلقی می‌شود. تجربه‌های نظارتی نشان داده‌اند که لزوم وجود استانداردهای مناسب پاسخگویی و نظارت - اعم از نظارت‌های داخلی و خارجی - در هر بانکی به شدت احساس می‌شود. از سوی دیگر، حاکمیت شرکتی درست به‌دلیل ایجاد زمینه‌های همکاری میان‌مدت بانک و ناظران، کار بازرسان را تا حد زیادی تسهیل می‌کند. در این خصوص، کمیته بال که کمیته یکسان‌سازی و استانداردسازی فعالیت‌های بانکی است، با انتشار گزارش‌هایی، اهمیت تعیین راهبرد و متناسب با آن، ایجاد سازوکارهای پاسخگویی در مورد نحوه اجرای این راهبردها توسط بانک‌ها را یادآور شده است. این درحالی است که شفافیت اطلاعات منتشرشده در مورد شرایط، تصمیمات و عملیات موجود، با سازوکارهای پاسخگویی رابطه تنگاتنگی را پدید می‌آورد تا سرانجام، اطلاعات مناسب و صحیح در مورد عملکرد مدیریت بانک‌ها را برای فعالان بازار فراهم کند. از نظر فعالیت بانکداری، حاکمیت شرکتی، روشی است که در آن هیئت مدیره و مدیریت اجرایی از طریق آن بر روابط و مسائل کاری، نظارت و تأکید می‌ورزند تا اهداف زیر محقق شوند:

الف- اهداف سازمان شامل کسب بازده اقتصادی برای صاحبان سهام، معین شوند.

ب- عملیات روزمره سازمان به درستی اجرا شوند.

ج- منافع طرف‌های ذی‌نفع شناسایی شده و مورد توجه قرار گیرند.

د- فعالیت‌ها و رفتار سازمان به‌گونه‌ای باشد که اطمینان حاصل شود، بانک در شرایط مطمئن، صحیح و براساس قوانین و مقررات حاکم عمل می‌کند.

ه- از منافع سپرده‌گذاران حمایت شود.^۱

^۱ <http://avrin2008.blogfa.com/post-9.aspx>Hussain, Saleh; Corporate Governance: Middle Eastern Perspective, 2007.

کمیته بال معتقد است که مسئولیت اولیه حاکمیت شرکتی بر عهده هیئت مدیره و مدیریت اجرایی بانکهاست. با این همه راههای بسیاری وجود دارند که از طریق آنها می‌توان فرآیند حاکمیت شرکتی را بهبود بخشید. این راهها عبارت‌اند از:

- وضع قوانین و مقررات توسط دولت،
- مقررات مربوط به بورس اوراق بهادار از طریق الزامات مربوط به افشای اطلاعات،
- استانداردهای حسابرسی ناظر بر ارتباطات هیئت مدیره، مدیریت اجرایی و بازرسان که توسط حسابرسان وضع می‌شود،
- وضع اصول و توافقات داوطلبانه صنعت بانکداری و اعلام عمومی آن توسط نهادهای ذی‌ربط.

۳- ارکان حاکمیت شرکتی

حاکمیت شرکتی دارای چهار رکن اساسی است. این ارکان عبارت‌اند از: انصاف^۱، شفافیت^۲، پاسخگویی^۳، و مسئولیت‌پذیری^۴. تعاریف این ارکان به شرح زیر است:

انصاف: برخورد یکسان و با عدالت با همه سهامداران (چه بزرگ و چه کوچک)، شفافیت: شفافیت در ارائه اطلاعات و در دسترس بودن آن (مالی، حقوق و مزایا، هیئت مدیره و ساختار آن، و ...)،

مسئولیت: کمیت و کیفیت مسئولیت‌ها و تفویض اختیارات باید روشن باشد، پاسخگویی: هرگونه پذیرش و اختیار مسئولیت باید با پاسخگویی همراه باشد.

بی‌گمان در نظام بانکداری اسلامی، رکن دیگری نیز به آن اضافه می‌شود که عبارت است از مطابقت با قوانین شریعت. در نتیجه، حاکمیت شرکتی در ایران باید دارای پنج رکن ذکر شده باشد تا بتواند به اهداف مورد نظر دست یابد.

۴- اسلام و حاکمیت شرکتی

اصول حاکمیت شرکتی، چیز جدید و بیگانه‌ای در اسلام نیست. نظام مالی اسلامی، قرن‌ها در اوج موفقیت تمدن اسلامی، پیشرفت داشته است. اگر چه اقتصاد اسلامی به‌طور عمده همان

¹ Fairness

² Transparency

³ Accountability

⁴ Responsibility

نقش‌های اقتصاد متعارف را ایفا می‌کند، لیکن همواره تفاوت‌های اساسی بین اصول اجرایی آن‌ها وجود دارد. در واقع، ویژگی اولیه اقتصاد اسلامی، ایجاد جامعه‌ای متعادل، منصف و صادق است که ارزش و قواعد اخلاقی اسلامی را به عینیت می‌رساند. تجارت اسلامی همیشه با هنجارهای اخلاقی و تعهدات اجتماعی توصیف می‌شود و مبتنی بر چارچوب اخلاقی و معنوی شریعت است. آسیراف (۲۰۰۶)^۱ ضمن تأکید دقیق بر دستورهای شریعت، معاملات مالی اسلامی را با اصل مربوط به فعالیت‌های پاسخگویی اخلاقی و اجتماعی در هم می‌آمیزد و همزمان مشارکت در فعالیت‌های غیرقانونی و فعالیت‌هایی را که برای رفاه اجتماعی و محیطی زیان‌بخش هستند، منع می‌کند. همچنین خلیفه (۲۰۰۳)^۲ اقتصاد اسلامی را به‌عنوان یک موضوع الهی، اخلاقی، انسانی، و میانه‌رو و معتدل توصیف می‌کند. بنابراین، هر نوع استثمر در نظام تجارت اسلامی ممنوع شده است و انتفاع باید بر پایه قواعد اخلاقی شریعت باشد. اصول حاکمیت شرکتی از دیدگاه اسلامی را می‌توان براساس مطالعاتی که توسط افراد مختلف انجام شده است، به‌شرح زیر عنوان کرد:

- اصول تجارت اسلامی،
- اصول اخلاقی تجارت،
- تصمیم‌گیری،
- افشا و شفافیت،
- دفترداری و ثبت حساب نهایی (قطعی)،

۵- حاکمیت شرکتی در کشورهای مختلف

سازمان توسعه و همکاری اقتصادی^۳ نخستین نهاد بین‌المللی برای ایجاد گروه‌های کاری بین‌المللی به‌منظور تدوین یک مجموعه استانداردهای پذیرفته شده جهانی حاکمیت شرکتی بوده است. گروه کاری مزبور از نمایندگان ۲۹ کشور عضو OECD، کمیسیون اتحادیه اروپا، بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول، بانک تجارت و تسویه بین‌المللی، انجمن کارکنان و سرمایه‌گذاران تشکیل می‌شد تا از پذیرش و به‌کارگیری آتی این اصول اطمینان حاصل شود (مارلین، ۲۰۰۸).

اصول OECD چارچوبی را برای کمک به شرکت‌ها در تهیه و ایجاد یک نظام حاکمیت شرکتی مطابق با محیط قانونی، سازمانی و مقرراتی خود فراهم می‌کند. اصول ارائه شده تعهدآور نمی‌باشد و

^۱ Asyraf

^۲ Khalifa

^۳ OECD: Organization for Economic cooperation Development

به دنبال صدور نسخه‌ای دقیق برای قوانین ملی نیستند، بلکه قصد آن شناسایی اهداف و پیشنهاد روش‌های گوناگون دستیابی به آن‌هاست. این اصول به عنوان نکات مرجع کاربرد دارند. سیاستگذاران می‌توانند از این اصول در تدوین چارچوب‌های قانونی و نظارتی مالکیت شرکتی متناسب با شرایط اقتصادی، اجتماعی، قانونی و فرهنگی استفاده کنند و فعالان بازار در تدوین روش‌های خاص خود از آن بهره‌مند شوند. این اصول ماهیت تکاملی دارند و باید با توجه به تغییرات مهم در شرایط، مورد بازبینی قرار گیرند. حوزه‌های اصلی اصول حاکمیت شرکتی در سازمان همکاری و توسعه اقتصادی عبارتند از:

- اطمینان از مبنایی مناسب برای یک چارچوب حاکمیت شرکتی مؤثر (کارآمد)،
- حقوق سهامداران و کارکردهای اصلی مالکیت،
- رفتار یکسان با سهامداران،
- نقش ذی‌نفعان در حاکمیت شرکتی،
- افشا و شفافیت،
- مسئولیت‌پذیری هیئت مدیره.

شرکت‌ها برای حفظ توان رقابتی خود در دنیایی که همواره در حال تغییر است باید به گونه‌ای به نوآوری و تطبیق روش‌های مالکیت شرکتی خود بپردازند که نیازهای جدید را برآورده سازند و از فرصت‌های تازه استفاده کنند. همچنین دولت‌ها مسئولیت مهمی در ایجاد چارچوب نظارتی مؤثر برعهده دارند. به نحوی که بازارها را از انعطاف‌پذیری لازم برای کارکرد مؤثر و واکنش به انتظارات سهامداران و دیگر ذی‌نفعان برخوردار سازند. دولت‌ها و دست‌اندرکاران بازار باید با توجه به منافع و هزینه‌های قانونگذاری در مورد چگونگی به‌کارگیری این اصول در تدوین چارچوب‌های مالکیت شرکتی تصمیم‌گیری کنند (رهبری، ۱۳۸۳).

همان‌گونه که گفته شد، یکی از مهم‌ترین معایب اصول سازمان توسعه و همکاری اقتصادی ضعف در قدرت الزام آن است و اصول مربوطه تنها می‌تواند به عنوان مرجعی برای کشورهای که می‌خواهند نظام‌های حاکمیت شرکتی خود را اصلاح کنند به کار رود. شبکه بین‌المللی حاکمیت شرکتی^۱ بیانیه الزام‌آورتری را در مورد اصول حاکمیت شرکتی بین‌المللی در سطح غیردولتی ایجاد کرد. ICGN یک سازمان جهانی است که متشکل از سرمایه‌گذاران کلیدی بین‌المللی مانند سرمایه‌گذاران حقیقی و شرکت‌ها و واسطه‌های مالی است. اصول ICGN، اصول

^۱ ICGN :International Corporate Governance Network

OECD را به عنوان زیربنای اصلی پذیرفته است و رهنمودهای دیگری نیز در مورد نحوه به کارگیری عملی آن اصول ارائه کرده است. لیکن شواهد کافی در مورد نحوه به کارگیری این اصول در کشورهایی که حاکمیت شرکتی آن‌ها دارای چارچوب‌های سازمانی ضعیف است، ارائه نشده است.

در یک ابتکار بین‌المللی دیگر، انجمن مشترک المنافع حاکمیت شرکتی^۱ یک مجموعه اصول حاکمیت شرکتی در سال ۱۹۹۹ ایجاد کرد که شبیه اصول OECD بود. هدف آن‌ها کمک به توسعه و ایجاد راهبردهای ملی برای ارتقای اصول حاکمیت شرکتی مناسب بوده است. در چندسال اخیر رهنمودهای حاکمیت شرکتی بر تحول نظام‌های حاکمیت شرکتی در تعدادی از کشورهای در حال توسعه آفریقا متمرکز بوده است. طبق نظر فیلیپس (۲۰۰۲)^۲ اصول CACG برای کشورهای در حال توسعه و نوظهور بسیار مناسب‌تر از اصول OECD است، چراکه این اصول به عنوان یک نقطه آغازین محکم و روشن برای بسط و ارتقای سیستم‌های حاکمیت شرکتی عمل می‌کنند. لیکن در هر حال این اصول را هنوز نمی‌توان به عنوان بهترین راهکار برای اقتصادهای در حال توسعه دانست. ارزیابی این ابتکارها به دلیل کمبود تحقیقات در زمینه شیوه‌های حاکمیت شرکتی در کشورهای در حال توسعه، به ویژه در کشورهای آفریقایی در کوتاه مدت امکان پذیر نیست. همچنین کمیسیون اروپایی اتحادیه اروپا، پروژه‌های متعددی را با هدف ایجاد یک درک مشترک از حاکمیت شرکتی انجام داده است. تاکنون هیچ تلاشی برای ایجاد مقررات واحدی برای بهترین رویه‌های حاکمیت شرکتی که تمام ایالت‌های عضو ملزم به پذیرش و انطباق با آن باشند، صورت نگرفته است و این امر بدان دلیل است که اتحادیه اروپا اعتقاد دارد که هماهنگ‌سازی باید پس از ایجاد نیاز برای آن صورت گیرد (مارلین^۳، ۲۰۰۸).

۱-۵- حاکمیت شرکتی در ترکیه

در ترکیه، هیئت مدیره بازار سرمایه ترکیه^۴ مسئول تدوین و نظارت بر اجرای حاکمیت شرکتی است. نکته جالب اینجاست که مقررات حاکمیت شرکتی، قوانین و مقررات کنونی را نقض نمی‌کند. به بیان دیگر، مقررات مربوط به شرکت‌های دولتی پابرجاست. اصول حاکمیت

^۱ CACG :Commonwealth Association for Corporate Governance

^۲ Philips

^۳ Marlin

^۴ Capital Markets Board of the Turkey

شرکتی در ترکیه از چهار بخش سهامداران، شفافیت و افشای اطلاعات، ذی‌نفعان و هیئت مدیره تشکیل می‌شود.

عامل‌های متعددی برای تعریف حاکمیت شرکتی در ترکیه مدنظر قرار گرفته است. مهم‌ترین این عوامل عبارت‌اند از شرایط کلی کشور، سطح توسعه بازارهای مالی و فعالیت بنگاه‌های اقتصادی. منظور از شرایط کلی کشور، وضعیت اقتصادی، شرایط مالی، سطح رقابت، نظام بانکی، سطح توسعه حقوق مالکیت و عوامل مشابه آن است. سطح توسعه بازارهای مالی نیز با معیارهایی مانند زیرساخت‌ها و مقررات بازار، نقدشوندگی بازار، وجود سرمایه‌گذاران خبره و میزان برقراری استانداردهای بین‌المللی و همچنین وجود استانداردهای حسابداری ممتاز سنجیده می‌شود. سرانجام، فعالیت بنگاه‌ها با میزان افشای اطلاعات مالی و غیرمالی، رفتار یکسان با سهامداران، رفتار و استقلال هیئت مدیره و منافع مالی ناشی از فعالیت بنگاه، ساختار سرمایه، میزان سهام شناور آزاد، نقدشوندگی سهام، سطح مشارکت ذی‌نفعان در فرآیندهای تصمیم‌گیری، حساسیت بنگاه به محیط و میزان مسئولیت اجتماعی سنجیده می‌شود.

۲-۵- حاکمیت شرکتی در بحرین

اصول حاکمیت شرکتی کشور پادشاهی بحرین برگرفته از اصول حاکمیت شرکتی سازمان توسعه و همکاری اقتصادی است که با همفکری ذی‌نفعان بحرینی و مشاوران با تجربه خارجی تدوین شده است. کمیته مزبور در سال ۲۰۰۶ فعالیت خود را آغاز کرد و پس از دو سال، اصول حاکمیت شرکتی و آیین‌نامه‌های مربوطه تدوین شد. در ماه می ۲۰۰۸، این اصول به اطلاع عموم رسانده شد و بازخوردها از جامعه تجاری دریافت شد. بیش از یک سال نیز وقت صرف شد تا این بازخوردها بررسی شوند و در سال ۲۰۰۹ این اصول نهایی شد.

هدف از تدوین آیین‌نامه حاکمیت شرکتی در بحرین، پایه‌ریزی اصول حاکمیت شرکتی براساس مناسب‌ترین تجربه عمل موجود^۱ و فراهم‌آوردن محیط امن برای سرمایه‌گذاران و سایر بنگاه است. تجارب بین‌المللی نشان داده است که اصول حاکمیت شرکتی مناسب می‌تواند سرمایه‌گذاران را جذب کند، سرمایه‌گذاران و سایر ذی‌نفعان بنگاه را مورد حمایت قرار دهد و ارزش بنگاه را افزایش دهد.

^۱ Best practice

آیین‌نامه حاکمیت شرکتی در بحرین، مکمل قانون شرکت‌ها^۱ است. این آیین‌نامه جایگزین قانون شرکت‌ها نمی‌شود، بلکه کمک می‌کند تا بهتر اجرا شود و نظارت بیش‌تری روی فعالیت شرکت وجود داشته باشد. همچنین، کمک می‌کند میزان انطباق آن با قوانین و مقررات سنجیده شود و اطمینان حاصل کند که افشای عادلانه اطلاعات تحت آن قوانین صورت می‌پذیرد. در حال حاضر، قانون شرکت‌ها بسیاری از دستورات حاکمیت شرکتی را اجباری کرده است. از جمله در زمینه جلسات هیئت مدیره و صاحبان سهام، وظایف هیئت مدیره و مدیران اجرایی، و مقررات مربوط به سهام مانند "یک سهم، یک رای" قوانین مشخصی دارد. در برخی موارد نیز فراتر از قانون شرکت‌ها می‌رود. به‌عنوان مثال، پیشنهاد می‌کند که رییس هیئت مدیره در همان حال نمی‌تواند مدیر شرکت باشد و همچنین ضروری است حداقل ۵۰ درصد از اعضای هیئت مدیره عضو غیر موظف باشند.

اصل رعایت یا توضیح^۲: هم‌اکنون این اصل در ماده ۶.۶۴ قانون شرکت‌ها گنجانده شده است و شرکت‌های بورسی را موظف می‌کند که اصول حاکمیت شرکتی را رعایت کنند و گزارش عملکرد خود را در خصوص میزان انطباق با آن به‌صورت سالانه به سهامداران خود ارائه دهند و یا در صورتی که هرگونه انحرافی از آن داشته باشند، توضیح دهند که مورد اصلاح قرار خواهد گرفت. این اصل توسط بسیاری از کشورهای دیگر نیز مورد توجه قرار گرفته است.

آیین‌نامه حاکمیت شرکتی بحرین دارای ۸ اصل است که ستون‌های حاکمیت شرکتی خوب را تشکیل می‌دهد. شفافیت و افشای اطلاعات، زیرساخت این اصول هستند. افشای اطلاعات برای پایش عملکرد کارای شرکت حیاتی است. نظارت بر حسن اجرای این اصول توسط اشخاص زیر صورت می‌گیرد:

- هیئت مدیره،
- سهامداران،
- وزارت صنعت و تجارت،
- بانک مرکزی بحرین^۳،
- بورس بحرین،
- دادگستری بحرین^۴،

¹ Company Law

² Comply or Explain principle

³ Central Bank of Bahrain

⁴ Bahrain Court

- بنگاه‌های تخصصی مانند حسابرسان، وکلا، و مشاوران سرمایه‌گذاری.

۳-۵- حاکمیت شرکتی در ایران

به نظر می‌رسد که سازمان بورس و اوراق بهادار در سال ۱۳۷۹ طی یک گزارش ویژه، برای نخستین بار، موضوع حاکمیت شرکتی را مورد بحث قرار داده باشد. پس از آن در همایش ملی "بازار سرمایه، موتور اقتصادی ایران"، که توسط دانشگاه علامه طباطبایی در ۷ و ۸ آذرماه ۱۳۸۳ در مرکز همایش‌های رازی برگزار شد، مقاله "حاکمیت شرکتی و نقش آن در توسعه بازار سرمایه" ارائه شد و سپس در مقطع دکتری حسابداری ضمن درس توسعه عقاید و افکار حسابداری و حسابرسی مورد توجه قرار گرفت. همچنین موضوع در دو همایش "گزارش‌گری مالی و تحولات پیش‌رو" و "نظام حاکمیت شرکتی و حسابرسی داخلی" به ترتیب در ۸ و ۹ دی ماه ۱۳۸۳ و ۳۰ آبان و اول آذر ماه ۱۳۸۴ در مرکز همایش‌های رازی به همت انجمن حسابداران خبره ایران ارائه شد. در پی آن در اواخر سال ۱۳۸۳ مرکز تحقیقات و توسعه بازار سرمایه سازمان بورس اوراق بهادار دست به انتشار ویرایش اول آیین‌نامه حاکمیت شرکتی زد که در پایگاه اطلاع‌رسانی بورس اوراق بهادار در دسترس است. این آیین‌نامه در ۲۲ ماده و ۲ تبصره تنظیم شده و شامل تعریف‌ها، وظایف هیئت مدیره، سهامداران، افشای اطلاعات و پاسخگویی و حسابرسی است. این آیین‌نامه با توجه به ساختار مالکیت و وضعیت بازار سرمایه و با نگرش به قانون تجارت حاضر تنظیم شده و با نظام درون‌سازمانی (رابطه‌ای) حاکمیت شرکتی سازگار است. انتشار این آیین‌نامه یادآور تلاش ارزنده‌ای است که بررسی و تجدید نظر در برخی از موارد آن می‌تواند در توسعه بازار سرمایه نقش مؤثری ایفا کند.

در مورد ساختار مالکیت شرکت سهامی عام در وضعیت کنونی ایران می‌توان از عبارت "تسلط از درون" استفاده کرد. نفوذ سهامداران عمده دولتی و شبه دولتی بر شرکت‌های سهامی عام ایران مشهود است. حتی با توجه به روند کنونی خصوصی‌سازی نیز به نظر نمی‌رسد در آینده نزدیک این وضعیت چندان تغییر کند. شرکت‌های دولتی بزرگی که در سال‌های اخیر سهام آنان (عمدتاً از طریق بورس) به مردم واگذار شده است، همچنان مستقیم یا غیرمستقیم تحت نظارت دولت قرار دارد. بنابراین تا اینجا می‌توان نتیجه‌گیری کرد که مسئله نمایندگی (حداقل از این منظر) در شرکت‌های سهامی عام ایران کم‌رنگ است. از سوی دیگر سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران بر عنصر "عدالت" تأکید کرده است. توجه به عدالت محوری در قوانین و مقررات و سیاست‌ها، در بین نگرش‌های متنوع به نظام حاکمیت شرکتی، بر نظریه

بیش تر منطبق است. با توجه به دو ویژگی پیش گفته، یعنی تسلط از درون و فاصله نسبی از اهداف عدالت محوری، به نظر می‌رسد نظام راهبری شرکتی مناسب برای محیط اقتصادی ایران به نگرش گسترده‌تری از راهبری شرکتی نیازمند است. گرچه مفهوم عدالت محوری در تدوین قوانین و مقررات مورد تأکید جدی قرار گرفته است، لیکن شوربختانه در عمل، چندان مورد توجه قرار نگرفته است. به این ترتیب پیشنهاد ما، جهت‌گیری مقررات مرتبط با نظام راهبری شرکتی به سمت رعایت بیش تر حقوق تمامی ذی‌نفعان است، گرچه توجه به حقوق سهامداران کماکان مورد توجه است. نکته دیگری که حائز اهمیت است، منظورکردن ویژگی‌های خاص در بخش‌های مختلف صنعت است. به‌عنوان مثال در صنعت بانکداری از بعد مباحث مطرح در راهبری شرکتی، ساختار شکلی سرمایه (منابع) با میزان اختیار اعمال نظارت آن تطبیق نمی‌کند. به عبارت دیگر، به‌رغم سهم اندک سهامداران در تأمین مالی فعالیت‌های بانک در مقایسه با سپرده‌گذاران، کنترل اصلی در اختیار سهامداران است. نسبت منابع سپرده‌گذاران به منابع سهامداران، سپرده‌گذاران را در جایگاه ذی‌نفع ممتاز، که تأمین‌کننده اصلی منابع بانک است، قرار می‌دهد و به همین دلیل است که مباحث حاکمیت شرکتی در صنعت بانکداری اهمیت ویژه‌ای یافته است. تلاش‌های سازمان‌های نظارتی و ارشادی مانند کمیته بال در این رابطه درخور توجه است. به هر حال با توجه به خلاءهای قانونی موجود در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران، تدوین یک مجموعه مقررات منسجم در زمینه راهبری شرکتی ضروری به نظر می‌رسد. با این هدف مبانی کلیدی یک نظام راهبری شرکتی مناسب برای محیط اقتصادی ایران به شرح زیر پیشنهاد می‌شود:

الف - پاسخگویی و حسابداری

ب - خلق ارزش و استفاده مؤثر از منابع شرکت

ج - گزارش‌دهی به موقع و شفاف

د - رعایت انصاف و عدالت در رابطه با تمامی ذی‌نفعان

هـ- ایفای نقش اجتماعی و شهروندی شرکت، شامل ایفای تعهدات و الزامات اخلاقی و شئون اجتماعی در عین رعایت منافع سهامداران شرکت به‌عنوان اصلی‌ترین طبقه از ذی‌نفعان.

۱-۳-۵- ساز و کارهای مؤثر بر حاکمیت شرکتی و پاسخگویی

پژوهش‌های انجام شده حکایت از آن دارد که دستیابی به اهداف مذکور با ساز و کارهای برون‌سازمانی و درون‌سازمانی، حاصل می‌شود.

اول- ساز و کارهای برون‌سازمانی؛ این ساز و کارها عمدتاً شامل موارد زیر است:

- نظارت قانونی: تدوین، تصویب و استقرار قوانین نظارتی مناسب.

- رژیم حقوقی: برقراری رژیم حقوقی مناسب
- کارایی بازار سرمایه: گسترش بازار سرمایه و تقویت کارایی آن
- نظارت سهامداران عمده: ایجاد انگیزه در سهامداران به فعالیتهایی از قبیل خرید سهام کنترلی
- نقش سرمایه‌گذاران نهادی: تشویق و گسترش سرمایه‌گذاری نهادی.
- نظارت سهامداران اقلیت: احترام به حقوق سهامداران اقلیت و مجازبودن نظارت اقلیت بر فعالیت شرکت
- گسترش و تأکید بر فعالیت مؤسسات رتبه‌بندی: ایجاد تسهیلات و حمایت از فعالیت این مؤسسات.
- دوم- ساز و کارهای درون سازمانی؛ این ساز و کارها نیز عمدتاً شامل موارد زیر است:
 - هیئت مدیره: انتخاب و استقرار هیئت مدیره برخوردار از صلاحیت حرفه‌ای، خوش‌نام و بی‌طرف و با اکثریتی از اعضای غیراجرایی،
 - مدیریت اجرایی: تقسیم مسئولیت‌ها بین مدیریت اجرایی و استقرار نرم‌افزارهای مناسب،
 - کمیته‌ها: تشکیل کمیته‌های تخصصی از قبیل ریسک، حسابرسی، حقوق و مزایا، و غیره،
 - کنترل‌های داخلی: طراحی، تدوین و استقرار کنترل‌های داخلی مناسب مالی، حقوقی، مدیریت ریسک، حسابرسی داخلی،
 - اخلاق سازمانی: تدوین و گسترش آیین رفتار حرفه‌ای و اخلاق سازمانی.

۲-۳-۵- نظارت بانک مرکزی

در سایت بانک مرکزی درخصوص اهداف و وظایف بخش نظارت بانکی چنین آمده است: "هدف اصلی نظارت بانکی، حفظ ثبات نظام مالی و افزایش اعتماد به آن از طریق کاهش ریسک برای سپرده‌گذاران و سایر بستانکاران است. از این‌رو نظارت در پی آن است تا اطمینان یابد بانک‌ها و مؤسسات اعتباری به شیوه‌ای ایمن و صحیح عمل می‌کنند؛ در مقابله با ریسک‌های فراروی خود، از سرمایه و ذخایر کافی برخوردارند. بانک مرکزی ج.ا.ا. که به موجب بند "ب" ماده ۱۱ قانون پولی و بانکی کشور (مصوب تیرماه سال ۱۳۵۱)، وظیفه نظارت بر بانک‌ها و مؤسسات اعتباری را برعهده دارد، از اواخر دهه هفتاد شمسی و با بهره‌گیری از آخرین دستاوردهای مراکز و مجامع حرفه‌ای و تخصصی، رویکرد "نظارت مبتنی بر ریسک" را به‌عنوان رویکرد اصلی در نظارت بر بانک‌ها و مؤسسات اعتباری کشور برگزید و در این راستا ضمن تجدید ساختار

سازمانی حوزه نظارت بر بانکها، تدوین مقررات احتیاطی و تعمیق و گسترش ادبیات نوین بانکی در کشور را سرلوحه فعالیت‌های خود قرار داد."

قوانین مرجعی که نظارت بانک مرکزی براساس آنها صورت می‌گیرد:

- قانون پولی و بانکی کشور
 - قانون برنامه پنجساله پنجم توسعه
 - قانون تنظیم بازار غیرمتشکل پولی
 - قانون مبارزه با پولشویی
 - قانون عملیات بانکی بدون ربا (بهره)
 - قانون تسهیل اعطای تسهیلات بانکی و کاهش هزینه‌های طرح و تسریع در اجرای طرح‌های تولیدی و افزایش منابع مالی و کارآیی بانکها
 - قانون اجازه تأسیس بانک‌های غیردولتی
 - قانون الحاق یک تبصره به قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه و اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی
 - قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه و اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی
 - قانون الحاق دو تبصره به ماده پانزده اصلاحی قانون عملیات بانکی بدون ربا
 - لایحه قانونی اداره امور بانکها
 - قانون منطقی کردن نرخ سود تسهیلات بانکی متناسب با نرخ بازدهی در بخش‌های مختلف اقتصادی
 - لایحه قانونی ممنوعیت خروج بدهکاران بانکها
 - قانون بانکی و پولی کشور (۱۳۳۹)
- مقررات ناظر بر تأسیس و مقررات ناظر بر فعالیت بانکها و مؤسسات اعتباری نیز وجود دارند که مکمل قوانین مرجع هستند. بانک مرکزی در سال‌های مختلف، بخشنامه‌ها و مقررات خاصی را با توجه به شرایط تصویب و ابلاغ کرده است و بانکها ملزم به رعایت مفاد این بخشنامه‌ها و مقررات هستند.

۳-۳-۵- مقررات ناظر بر تأسیس بانکها و مؤسسات اعتباری

- قانون اجازه تأسیس بانک‌های غیردولتی

- ضوابط تأسیس بانک غیردولتی
- نکات لازم الرعایه در اساسنامه بانک غیردولتی
- الحاقیه به نکات لازم الرعایه در اساسنامه بانکهای غیردولتی
- مقررات ناظر بر تأسیس و شیوه فعالیت مؤسسه‌های اعتباری غیربانکی
- آیین‌نامه نحوه تأسیس و اداره بانکها و مؤسسات مالی و اعتباری غیردولتی
- حداقل سرمایه لازم برای تأسیس بانک خصوصی در داخل کشور و در مناطق آزاد تجاری-صنعتی (مصوبه ۱۱۷۷۷۲/ت/۴۰۸۸۱ هـ. مورخ ۱۳۸۷/۷/۱۴ هیئت وزیران)
- دستورالعمل تأسیس و فعالیت بانکهای قرض‌الحسنه و نظارت بر آنها (مصوبه ۳۹۳۹۸/۲۱۱۸۵۳ مورخ ۱۳۸۶/۱۲/۲۶ هیئت وزیران)
- دستورالعمل اجرایی تأسیس، فعالیت و نظارت بر صندوق‌های قرض‌الحسنه به‌همراه اساسنامه صندوق قرض‌الحسنه، فرم‌ها و پرسشنامه‌های مربوط
- دستورالعمل اجرایی تأسیس، فعالیت و نظارت بر شرکت‌های تعاونی اعتبار
- دستورالعمل اجرایی تأسیس، فعالیت و نظارت بر صرافی‌ها
- دستورالعمل اجرایی تأسیس، نحوه فعالیت و نظارت بر شرکت‌های واسپاری^۱ (اجاره به شرط تملیک)، به همراه فرم‌ها و پرسشنامه‌های مربوط
- نمونه اساسنامه و فرم‌های اولیه مربوط به تأسیس بانک، مؤسسه اعتباری، شعبه بانک یا مؤسسه اعتباری، دفتر نمایندگی و صرافی در مناطق آزاد تجاری - صنعتی جمهوری اسلامی ایران
- آیین‌نامه اجرایی نحوه تأسیس و عملیات شعب بانک‌های خارجی در ایران
- دستورالعمل اجرایی نحوه تأسیس، فعالیت، نظارت و تعطیلی شعب بانک‌های خارجی در ایران
- فرآیند صدور مجوز مؤسسات تحت نظارت
- حداقل سرمایه لازم برای تأسیس بانکها و مؤسسات اعتباری غیربانکی (مصوبه جلسه مورخ ۱۳۸۹/۰۲/۲۱ شورای پول و اعتبار)
- آیین‌نامه اجرایی نحوه تأسیس، فعالیت، نظارت و تعطیلی شعب بانک‌های ایرانی در خارج از کشور
- دستورالعمل اجرایی عملیات پولی و بانکی در مناطق آزاد تجاری-صنعتی جمهوری اسلامی ایران
- آیین‌نامه تأسیس و فعالیت بانک‌های مجازی

¹ Leasing

- دستورالعمل اجرایی تأسیس، فعالیت و نظارت بر صندوق‌های قرض‌الحسنه مؤسسات اعتباری و پرسشنامه‌های مربوطه

۴-۳-۵- مقررات ناظر بر فعالیت بانک‌ها و مؤسسات اعتباری

- آیین‌نامه مربوط به سرمایه پایه بانک‌ها و مؤسسات اعتباری
- آیین‌نامه کفایت سرمایه
- آیین‌نامه تسهیلات و تعهدات کلان
- اصلاح بند ۳-۱ (تعریف ذی‌نفع واحد) از آیین‌نامه تسهیلات و تعهدات کلان
- دستورالعمل‌های طبقه‌بندی دارایی‌های مؤسسات اعتباری و نحوه محاسبه ذخیره مطالبات مؤسسات اعتباری
- دستورالعمل سرمایه‌گذاری مؤسسات اعتباری
- حداقل الزامات تحت عنوان "رهنمودهایی برای نظام مؤثر کنترل داخلی در مؤسسات اعتباری"
- حداقل الزامات تحت عنوان "مجموعه رهنمودهایی برای مدیریت مؤثر ریسک اعتباری"
- حداقل الزامات تحت عنوان "رهنمود مدیریت مؤثر ریسک نقدینگی"
- حداقل الزامات تحت عنوان "مجموعه رهنمودهایی برای مدیریت مؤثر ریسک عملیاتی"
- دستورالعمل تشخیص کفایت و صلاحیت تصدی سمت در واحدهای بانکی خارج از کشور
- دستورالعمل چگونگی شناسایی مشتریان مؤسسات اعتباری
- ضرورت دریافت شماره اقتصادی اشخاص حقوقی برای اعطای تسهیلات
- مقررات احتیاطی تبدیل مطالبات رهنی مؤسسات اعتباری به اوراق بهادار
- حداقل الزامات تحت عنوان "مدیریت مؤثر ریسک کشوری"
- دستورالعمل ناظر بر تسهیلات و تعهدات سندیکایی
- حداقل الزامات تحت عنوان "مجموعه رهنمودها برای مدیریت مؤثر ریسک تطبیق"
- آیین‌نامه مدت و طرز نگاهداری اوراق بازرگانی اسناد و دفاتر بانک‌ها
- آیین‌نامه تسهیلات و تعهدات اشخاص مرتبط (نسخه اصلاحی - لازم‌الاجرا از تاریخ ۱۳۹۰/۲/۱۰)
- دستورالعمل بازرسی مالی و عملیاتی و اخذ اطلاعات از مؤسسات اعتباری
- حدود مجاز وضعیت باز ارزی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی

همچنین، اصول کمیته بال نیز در مقوله‌های مختلف مدیریت ریسک و اصول پیشنهادی کمیته بال (کمیته نظارت بر بانکداری بانک تسویه بین‌المللی) در زمینه نظارت بر بانکها و مؤسسات اعتباری توسط اداره مطالعات و مقررات بانکی در اختیار شبکه بانکی کشور قرار گرفته است.

۵-۳-۵- اصول مدیریت ریسک (اسناد کمیته بال)

- اصول ۲۵ گانه برای نظارت بانکی مؤثر
- اصول مدیریت ریسک اعتباری
- رویه‌های مؤثر مدیریت نقدینگی بانکها
- اقدامات مؤثر برای مدیریت و نظارت بر ریسک عملیاتی
- بهترین رویه‌های افشای ریسک اعتباری
- مدیریت یکپارچه ریسک شناسایی مشتری
- اصول مربوط به شیوه نظارت بر تمرکز ریسک در یک شرکت بزرگ مالی
- اصول مربوط به شیوه نظارت بر عملیات یک شرکت بزرگ مالی و منابع در معرض خطر
- اصول ۲۵ گانه برای نظارت بانکی مؤثر، نسخه اکتبر ۲۰۰۶
- متدولوژی اصول ۲۵ گانه نظارت بانکی مؤثر
- ریسک نقدینگی: چالش‌های مدیریتی و نظارتی
- اصول مدیریت ریسک در بانکداری الکترونیک
- درآمدی بر آزمون بحران (ابزاری برای مدیریت ریسک)
- نظارت بر فن‌آوری اطلاعات بانکها

۵-۳-۶- سایر اصول (اسناد کمیته بال)

- کارکرد بخش تطبیق در بانکها (اصول نظارت تطبیقی)
- بهبود حاکمیت سهامی در واحدهای بانکی
- نظارت بر ساختارهای بانکی با مالکیت موازی
- حسابرسی داخلی در بانکها و ارتباط بین ناظران و حسابرسان
- شناسایی کافی مشتری از سوی بانکها
- راهنمای کلی افتتاح حساب و تعیین هویت مشتری
- پیشگیری از سوءاستفاده عوامل جنایتکار از نظام بانکی جهت پولشویی

- رویه‌های صحیح افشا و حسابداری وام
- چارچوبی برای نظام‌های کنترل داخلی در واحدهای بانکی
- رویه‌های مؤثر برای تعامل بانک‌ها با مؤسسات با اهرم مالی بالا
- بهبودشفافیت در بانک
- برون‌سپاری خدمات مالی
- تطبیق و کارکرد آن در بانک‌ها
- تجدید ساختار شبکه بانکی و راهبردهای مناسب اجرای آن
- راهنمای گردآوری شاخص‌های مالی احتیاطی و ساختاری مبتنی بر شریعت
- بهبود حاکمیت شرکتی در واحدهای بانکی (نسخه ۲۰۰۶)
- بانک‌های پوسته‌ای و دفاتر اجاره‌ای

۷-۳-۵- نقش بازرسان بانک مرکزی

بازرسان باید از اهمیت حاکمیت شرکتی و اثر آن بر کارایی سازمان آگاه باشند. بازرسان همچنین باید از بانک‌ها بخواهند تاچنان ساختار سازمانی برای خود در نظر بگیرند که کنترل‌ها و نظارت‌های مناسب را در بر داشته باشد. افزون بر این، بازرسان باید بر هیئت مدیره، مدیریت اجرایی و بانک‌ها به‌گونه‌ای نظارت کنند که از تحقق مناسب وظایف و مسئولیت‌های آنان اطمینان حاصل شود.

هیئت مدیره و مدیریت اجرایی بانک مسئول نهایی استقرار اصول حاکمیت شرکتی تلقی می‌شوند. براین اساس، بازرسان باید مطمئن شوند که بانک به درستی تحت حاکمیت است. بازرسان در صورت رویارویی با هرگونه تخطی از اصول یا بروز زمینه‌های مشکل‌زا در حین بازرسی، باید بی‌درنگ توجه مدیریت بانک را به آن جلب کنند. هنگامی که بانک ریسکی را متقبل می‌شود که قادر به اندازه‌گیری یا نظارت بر آن نیست، بازرسان باید هیئت مدیره را آگاه سازند و با مسئول قلمداد کردن آن‌ها، از آنان بخواهند که عملیات اصلاحی را با شیوه‌ای زمان‌بندی شده انجام دهند. از دیگر وظایف بخش نظارت این است که دستورالعمل‌هایی را در مورد حاکمیت شرکتی صحیح و نیز اقدامات پیشگیرانه که باید به‌موقع صورت پذیرند، منتشر کنند و در اختیار بانک‌ها قرار دهند. همچنین بحث حاکمیت شرکتی باید در سایر مسایل مرتبط و دستورالعمل‌های صادره دیگر مورد توجه قرار گیرد.

حاکمیت شرکتی صحیح، حفاظت از منافع تمامی ذی‌نفعان را، از جمله سپرده‌گذاران، که ممکن است منافع آن‌ها در مواردی مدنظر نباشد، در بر می‌گیرد. بر این اساس، بازرسان و ناظران بانکی موظفند تمام بانک‌ها را به‌گونه‌ای نظارت کنند که اطمینان حاصل شود رویه عملیاتی آن‌ها منجر به آسیب‌رسانی و وارد آمدن زیان به سپرده‌گذاران نمی‌شود.

نتیجه‌گیری

تدوین و اجرای اصول حاکمیت شرکتی، امری ضروری برای بهبود عملکرد بنگاه‌ها و از جمله نظام بانکی به شمار می‌آید. در مورد نظام بانکی مسئولیت اصلی نظارت بر حسن جریان امر به عهده بانک مرکزی محول شده است. این نقش از تدوین مقررات شروع می‌شود و به نظارت بر عملکرد درست و منطبق با قوانین و مقررات توسط بانک‌ها ختم می‌شود. از آنجایی نظارت غیرحضور^۱ در برخی موارد ممکن است به نتیجه مطلوب منجر نشود، نظارت حضور^۲ نیز باید به‌عنوان مکمل نظارت غیرحضور^۱ وارد عمل شود. برای نظارت حضور، بانک مرکزی می‌تواند بازرسانی را به‌صورت دوره‌ای به بانک‌ها بفرستد و از آن‌ها بخواهد که میزان پای‌بندی بانک‌ها را به قوانین و مقررات بسنجند. لیکن شیوه بهتر آن خواهد بود که افرادی در بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری مستقر باشند و دائماً نحوه عملکرد بانک یا مؤسسه مالی و اعتباری را مورد پایش قرار بدهند. ساختار حاکمیت شرکتی مستقر در بانک یا مؤسسه مالی و اعتباری بازوی خوبی برای انجام این مهم خواهد بود.

در حقیقت، باید نظام خودپایشی یا خود نظارتی در بانک‌ها (و به‌طورعام، در تمامی بنگاه‌ها) برقرار باشد تا هم مدیر ارشد و هیئت مدیره بانک مطمئن باشند که جریان امور در بانک به‌درستی صورت می‌پذیرد و بانک مرکزی نیز مطمئن باشد که این نظارت از درون نیز صورت می‌پذیرد. تاجایی که اطمینان به عملکرد این نظام خود کنترلی به جایی برسد که بانک مرکزی بتواند گزارش‌های آن‌ها را صحیح و دقیق به‌شمار آورد و متناسب با آن دامنه نظارت حضور را تعیین کند.

¹ Offsite

² Onsite